تیک‌تک

گزارش کامل را اینجا بخوانید

یک برش کوچک؛

خرده فروشی آنلاین؛ فقط ۴ درصد از بازار خرده فروشی ایران

شاید هنوز برای شما هم خریدن کیف و لباس به صورت آنلاین سخت باشد، شاید درخصوص خرید محصولات همگن‌تر و استانداردتری مانند محصولات الکترونیکی، تجربه خرید آنلاین داشته باشد؛ اما اینکه شما تصمیم می‌گیرید یک محصول را به صورت آنلاین یا حضوری خریداری کنید، تابع متغیرهای بسیاری است. «سواد دیجیتال» یا «توانمندی اقتصادی خرید» عواملی هستند که به کاربر (خریدار) وابسته است؛ اما عواملی کلان نیز در این تغییر رفتار تأثیرگذار است؛ عواملی مانند «دسترسی به اینترنت» یا «سرمایه اجتماعی یا اعتماد عمومی به پلتفرم». به عبارت دیگر خرید آنلاین را می‌توان حاصل ترکیبی از عوامل مرتبط به کاربر و عوامل کلان محیطی دانست. خرید آنلاین اگرچه یکی از روندهای کلیدی حوزه اقتصاد دیجیتال در دو دهه اخیر بوده، ولی این روند در ایران به اندازه‌ای که بازار ایران پتانسیل دارد، همراه با رشد نبوده است. بر اساس پیش‌بینی مرجع Statista، درآمد خرده‌فروشی آنلاین در سال ۲۰۲۲ به ۵،۴ تریلیون دلار افزایش می‌یابد. تطبیق خرده‌فروشان با این رونق فروش آنلاین، شیوه خرید مشتریان را نیز تغییر می‌دهد. طبق آخرین گزارش بخش تحقیق و توسعه دیجی‌کالا، سهم خرده‌فروشی آنلاین از کل خرده‌فروشی کشورهای مختلف در سال ۲۰۲۱ به ترتیب زیر است. بازار خرده‌فروشی آنلاین و برآورد میزان سهم آن از کل بازار خرده‌فروشی در ایران را می‌توان بر اساس گزارش دیجی‌کالا (به‌عنوان بزرگ‌ترین بازیگر خرده‌فروشی آنلاین) بررسی کرد. دیجی‌کالا در گزارش سال ۱۴۰۰ خود سهم خرده‌فروشی آنلاین از کل بازار خرده‌فروشی را حدود چهار درصد برآورده کرده است؛ درحالی‌که سهم خرده‌فروشی آنلاین از کل بازار خرده‌فروشی در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از ۱۰ درصد است و در کشوری مثل چین این نسبت به حدود ۳۰ درصد نیز می‌رسد. مقایسه نسبت خرده‌فروشی آنلاین (eTail) به خرده‌فروشی (Retail) میان ایران و کشورهای پیشرو جهانی، نشان می‌دهد بازار خرده‌فروشی آنلاین در ایران همچنان بازاری با جذابیت بالاست که البته بخش عمده‌ای از آن دست‌نخورده باقی مانده است. بر اساس آمار، این بازار برخلاف ادراک اولیه (و با فرض وجود بازیگران بزرگی مانند دیجی‌کالا)، همچنان بازاری با پتانسیل رشد بالا است. این وضعیت در تناقض با ویژگی‌های حوزه «اقتصاد دیجیتال» است. در حوزه اقتصاد دیجیتال، اصلی‌ترین عامل در رشد، دستیابی به مقیاس اولیه است. در حقیقت اصلی‌ترین دارایی یک پلتفرم، کاربران فعال آن پلتفرم هستند و بر پایه تجربیات جهانی، زمانی که شرکتی به یک حداقل کاربر و فروش اولیه مناسب (یا همان چیزی که به نام «جرم بحرانی اولیه» (Critical Mass) شناخته می‌شود) دست یابد، به‌راحتی می‌تواند کل بازار را تسخیر کند. بر اساس این دیدگاه نظری، انتظار آن است که پلتفرمی مانند دیجی‌کالا که به مقیاس اولیه و جرم بحرانی مورد نیاز دست یافته است، بتواند به‌سادگی پاسخ‌گوی پتانسیل‌های بازار باشد و فاصله میان سهم چهار درصد فعلی تا ۳۰ درصد (دارای پتانسیل) را به‌سادگی طی کند؛ اما واقعیت فعلی در تعارض با این دیدگاه نظری است. به‌این‌ترتیب اینکه «چرا با وجود یک بازیگر بزرگ در بازار خرده‌فروشی آنلاین همچنان بخش عمده‌ای از ظرفیت بازار ایران بدون پاسخ مانده است؟»، پرسشی کلیدی است. پرسشی که دلیل آن می‌تواند چالش‌های زیادی در محیط کلان اقتصادی-اجتماعی کشور باشد که مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

◆ اعتماد عمومی (سرمایه اجتماعی): پایین‌بودن سرمایه اجتماعی در ایران، میزان اعتمادپذیری به هر نوعی از «دیگری» را کاهش داده است. فقدان سازوکارهای حقوقی شفاف و به‌روز نیز این عامل را بیش از حد کاهش داده است. ترس کاربر از کلاهبرداری یا عدم پاسخ‌گویی پلتفرم می‌تواند یکی از عوامل کلیدی اجتماعی در سهم پایین بازار خرده‌فروشی آنلاین باشد.

◆ تنظیم‌گری با مداخله دولتی: تنظیم مقررات (رگولاتوری) در ایران نیز پابه‌پای بازار و توانمندی‌های فنی رشد نکرده است. تنظیم‌گری بیشتر ابزاری برای مداخله دولتی و ایجاد مانع فعالیت بوده و به‌همین‌دلیل محیط مناسب رشد پلتفرم‌های خرده‌فروشی هنوز شکل نگرفته است. الزام‌هایی مانند اینماد یا فقدان آیین‌نامه‌های مناسب برای خرده‌فروشی آنلاین که متناسب با مدل‌های جدید کسب‌وکار مانند بازاریابی پیوندی (Affiliate Marketing) باشد، دو نوع مختلف از چالش‌های محیط کلان برای رشد بازار خرده‌فروشی را نشان می‌دهد.

◆ تنوع شیوه پرداخت: روش‌های پرداخت اینترنتی در کشور محدود و اغلب سخت هستند. شاید برخورداری از روش‌هایی مثل کارت اعتباری (Credit Card) و نظام اعتباردهی یا شیوه‌های ترکیبی پرداخت (مانند PayPal) یا پرداخت‌های مستقیم (Direct Debit) تا حدود زیادی بتواند به این چالش پاسخ گوید. به‌این‌ترتیب رشد بازار خرده‌فروشی در گرو توجه نهادهای سیاست‌گذار بانکی-مالی به این حوزه است.

◆ عدم حضور بازیگران سنتی در بازار خرده‌فروشی آنلاین: بازیگر سنتی به همراه سرمایه اقتصادی، انواعی از آورده‌های ارزشمند مانند شناخت بازار و کاربر، شبکه توزیع و زیرساخت‌های مورد نیاز برای زنجیره تأمین و لجستیک را به همراه می‌آورد. برای مثال در آمریکا بعد از رشد شرکت آمازون، شرکت والمارت نیز اپلیکیشن خود را راه‌اندازی کرد که به‌شدت با استقبال مواجه شد.

◆ بخش سنتی توزیع علیه بخش مدرن: تعارض کانال‌های فروش فیزیکی موجود با کانال‌های توزیع آنلاین، نوعی از تعارض منافع میان ذی‌نفعان کلیدی حوزه خرده‌فروشی است. از آنجایی که در فروشگاه اینترنتی، کالا مستقیم به دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد، ممکن است شبکه فروشگاه‌های فیزیکی وجود خود را همراه با تهدید ببینند و اقدام به سنگ‌اندازی یا موضع‌گیری علیه بخش نوپای اقتصاد کنند.

◆ امنیت و حریم خصوصی: امنیت یکی از چالش‌های اصلی در دنیای دیجیتال است. با وجود تدابیر امنیتی فراوان، مانند گذرواژه‌ها، ما با اخبار هک وب‌سایت و سرقت اطلاعات مواجه می‌شویم. مردم درباره افشای اطلاعات مربوط به کارت‌های اعتباری و اطلاعات شخصی خود در اینترنت احتیاط می‌کنند؛ زیرا ممکن است از آنها سوءاستفاده شود. همین احتیاط می‌تواند منجر به یک محافظه‌کاری گسترده در میان جامعه شده و به‌این‌ترتیب میزان تمایل به خرید آنلاین را کاهش دهد. واقعیت آماری این است که بازار خرده‌فروشی‌های آنلاین در کشور تا حدی دست‌نخورده و قابل رشد است که می‌تواند در سال‌های آینده و در صورت رفع چالش‌های محیط کلان که بررسی شد، با تغییرات و رشد خارج از انتظاری روبه‌رو شود. اگرچه ورود خرده‌فروشی‌های آنلاین جدید و تازه‌وارد یکی از سناریوهای آینده حوزه خرده‌فروشی است، اما اهمیت بالای اعتماد عمومی به پلتفرم می‌تواند سناریوی رشد بازیگران دیگر را محتمل کند. به‌این‌ترتیب سناریوی رشد بازیگران فعلی (پلتفرم‌های فعلی خرده‌فروشی آنلاین) بر اساس خرید و تملیک (M&A) به نظر محتمل‌ترین سناریو در سال‌های آینده خواهد بود. این تحلیل کاری است از رسانه خبری تیک‌تک (TickTech) و مبتنی است بر سومین گزارش سالانه دیجی‌کالا که در خرداد ۱۴۰۰ منتشر شده است. گزارش‌های سالانه دیجی‌کالا دربردارنده گزیده‌ای از آمار و داده‌های این مجموعه است که به صورت عمومی منتشر می‌شود.

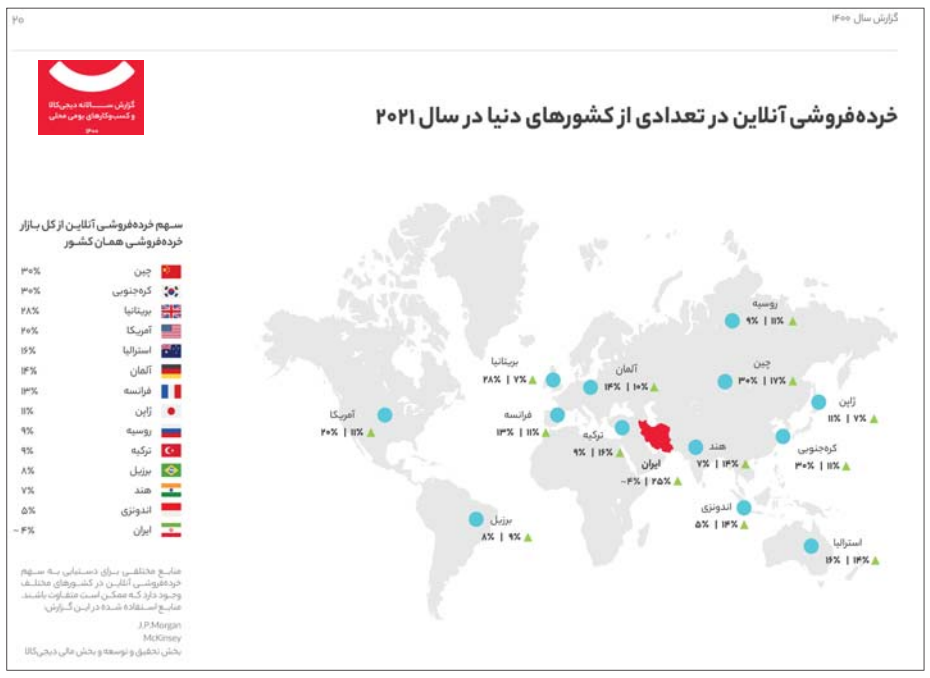

سطح زیرین زمین در شهرری پوچ شده و خطر ریزش ساختمان‌های مسکونی در جنوب پایتخت جدی است

متروپل در شهرری

رئیس بخش مخاطرات و ریسک مرکز تحقیقات راه و شهرسازی به «شرق» می‌گوید که فقط یک ماه کار عملیاتی نیاز است اما بودجه نیست!

مهفام سلیمان‌بیگی: «زمین زیر ساختمان‌های مسکونی شهرری خالی شده است»؛ این پیام هشدار را یک چاه‌کن با فیلم‌برداری موبایلی از زیر سطح زمین نشان می‌دهد. ویدئویی که در فضای مجازی منتشر شده و البته علی بیت‌اللهی، رئیس بخش مخاطرات و ریسک مرکز تحقیقات راه و شهرسازی آن را تأیید می‌کند و به «شرق» می‌گوید که رشته قنات‌های زیر خاک منطقه خشک و تهی شده‌اند و هر آن امکان فرونشست زمین وجود دارد. او توضیح می‌دهد که به نظر می‌رسد محل فرونشست تا ۳۰متری ساختمان‌های مسکونی باشد اما این فقط «یک حدس است» و نقشه‌برداری دقیقی در جنوب شهرری وجود ندارد.

به گفته بیت‌اللهی این اتفاق می‌تواند به راحتی واقعه متروپل را تکرار کند. اتفاقی که تنها با یک عملیات کوتاه‌مدت یک‌ماهه قابل پیشگیری است، اما مسئله به حال خود رها شده و دولت از سال ۹۸ تاکنون بودجه‌ای هم برای تحقیقات درباره فرونشست زمین نداده است. بر اساس آمار مرکز تحقیقات راه و شهرسازی چیزی حدود ۲۵ میلیون نفر ایرانی در ۸.۵ میلیون واحد مسکونی زندگی می‌کنند که بر اساس گزارش انجمن اقتصاد شهری و مرکز تحقیقات راه و شهرسازی، روی زون‌های (مناطق) مستعد فرونشست قرار دارند. این مطالعات نشان می‌دهد در حال حاضر در ۶۰۹ دشت و ۳۱ استان کشور با پدیده فرونشست مواجه هستیم.

خوش‌شانس بوده‌ایم که زمین فرو نرفته است!

درست یک سال از زمانی که خطر فرونشست دشت‌های کشور از سوی مراکز پژوهشی مطرح شد، می‌گذرد. مطالعاتی که شهرری را صدر فهرست مناطق خطرناک ایران از نظر فرونشست زمین قرار داده بود.

حالا در سالگرد یک‌سالگی آن مطالعات و هشدارها، ویدئویی کوتاه با روایت یک چاه‌کن منتشر شده با عنوان «خطر در کمین اهالی شهرری». در این ویدئو مقنی نشان می‌دهد که زیر بخشی از ساختمان‌های شهرری که به گفته او ۴۵۰ خانواده در آن ساکن هستند، یک حفره عمیق ایجاد شده است.

منطقه ۲۰ در همسایگی دشت شهریار قرار گرفته و متوسط فرونشست زمین در این دشت چندین برابر متوسط نشست زمین در شهر تهران است. بنابراین خطر خالی‌شدن زیر پای اهالی‌اش هیچ‌وقت چندان دور از ذهن نبوده اما تماشای ویدئوی منتشرشده از حفره‌های زیر معابر در شهرری دلهره‌ها را دراین‌باره دوچندان کرده است. اولین بار سروصدای فرونشست در ری از سال ۹۸ آغاز شد؛ زمانی که ری در یک هفته چندین فروریزش را تجربه کرد. البته علت این فروریزش‌ها لرزش‌هایی عنوان شد که توسط دستگاه تی‌بی‌ام برای حفاری تونل خط ۶ مترو صورت می‌گرفت! بااین‌حال شرایط ری حتی بعد از حفر این خط مترو هم ادامه یافت؛ چراکه پای گسل ری و آب‌های زیرزمینی هم به میان کشیده شده بود.

حالا علی بیت‌اللهی، دبیر کارگروه ملی مخاطرات طبیعی و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، درباره این ویدئو به «شرق» می‌گوید: «این فیلم که در امتداد خیابان شهدای ایرانی در جنوبی‌ترین محدوده منطقه ۲۰ در شهرری گرفته شده، بسیار مهم بود. ما ارزیابی‌های دقیقی از ابعاد و میزان گسترش حفره به زیر ساختمان‌ها نداریم. بااین‌حال می‌دانیم پتانسیل خطر وجود دارد و ضرورت دارد که ارزیابی دقیق و فنی، مهندسی صورت بگیرد؛ چون به نظر می‌رسد تا اینجای کار با خوش‌شانسی حادثه نیافریده است». به گفته او فیلمی که منتشر شده ابعاد حفره را به خوبی نشان می‌دهد اما گسترش و امتدادش را نشان نمی‌دهد. باید دید زیر ساختمان‌ها هم رفته یا نه؟ بنابراین باید نقشه‌برداری زیرسطحی انجام شود تا بدانیم زیر ساختمان‌ها تا کجا درگیر است و آیا رشته حفرات و فرسایش‌ها امتداد دارند یا نه؟

کدام ساختمان‌ها در خطرند؟

بیت‌اللهی معتقد است اگر این منطقه به همین شکل رها شود، خاک از سقف حفره‌ها ریزش می‌کند و آرام به نزدیک سطح می‌رسد و ناگهان ریزش اتفاق می‌افتد. اینکه این فرایند چقدر طول می‌کشد بستگی به جنس و چسبندگی خاک دارد. اگر چسندگی ضعیف باشد، خیلی سریع گسترش پیدا می‌کند.

او می‌افزاید: به‌خصوص با اینکه ابعاد حفره که در ویدئو می‌بینیم بسیار زیاد است و حتی از قامت چاه‌کن هم بیشتر است، از نظر امتداد هم دست‌کم در ویدئو حدود شش متر نمایان شده و نمی‌دانیم تا کجا ادامه پیدا کرده است. این حفره از نظر موقعیت در لبه کناری خیابان شهدای شرکت ایرانیت، نرسیده به سلمان فارسی قرار دارد و از این نظر تا ساختمان‌ها چیزی حدود ۳۰ متر فاصله است. باز هم تأکید می‌کنم که از روی فیلم قابل تشخیص نیست که حفره به زیر ساختمان‌ها رسیده یا نه؟ اگر حفره به زیر ساختمان‌ها رسیده باشد باید فورا مقاوم‌سازی انجام شود، اگر هم نرسیده باشد، باید بلافاصله با اقداماتی جلوی گسترش حفره تا ساختمان‌ها را گرفت. این عضو هیئت علمی تأکید می‌کند: من آمار دقیق ندارم اما اگر حفره پیشرفت کرده باشد، فکر می‌کنم در حد زیر سطح یک بلوک ساختمانی باشد. به گفته او برای جلوگیری از فروریزش در این منطقه تمهیداتی وجود دارد و می‌توان از تکرار حادثه‌ای شبیه متروپل جلوگیری کرد. به همین منظور هم گزارش‌هایی گردآوری و برای شهرداری منطقه و شهرداری تهران فرستاده شده است.

قنات‌های شخصی معابر را می‌بلعند

آن‌طور که بیت‌اللهی می‌گوید نتایجی بررسی‌ها نشان می‌دهد وجود قنات‌ها که عمده آنها هم بلااستفاده و بدون صاحب رها شده، نقش اساسی در بروز فروریزش دارند. به این معنی که قبلا انتقال آب‌های زیرسطحی در شهر تهران، از شمال به جنوب برای باغات و مزارع جنوبی در حوالی ری و اطراف آن، از طریق رشته‌قنات‌هایی صورت می‌گرفته که هر کدامشان مالک خصوصی داشتند. حتی الان هم سند هر کدام از این قنات‌ها مثل سند ملکی از نظر حقوقی مالکیت خصوصی دارد.

البته حالا دیگر به دلیل توسعه شهری بسیاری از اراضی که قنات‌ها مسئول انتقال آبشان بودند، از بین رفته و به ساختمان تبدیل شده‌اند؛ بنابراین قنات‌ها هم از حیز انتفاع ساقط شده‌اند. در واقع در حالی که مالک خصوصی دارند اما رها شده و به صورت فیزیکی فاقد مالک هستند. بنابراین خبری از صیانت و رسیدگی به آنها هم نیست و زیر سطح این قنات‌ها ریزش‌هایی اتفاق می‌افتد.

به گفته او در سال‌های اخیر به دلیل افزایش ترافیک و ارتعاشات محیطی، ریزش‌های زیرسطحی تشدید هم شده‌اند و حفره‌ها دائم به سطح زمین نزدیک می‌شوند. به طوری که این فروریزش ممکن است در معابر یا زیر ساختمان‌ها خودش را نشان دهد. دبیر کارگروه ملی مخاطرات طبیعی یکی دیگر از عوامل ریزش‌های زیرسطحی بزرگ‌ترشدن حفره‌ها را میزان آب موجود در قنات‌ها عنوان می‌کند و توضیح می‌دهد: الان که فصل تابستان است و آب‌های زیرسطحی بسیار کم است، رشته‌قنات‌ها آب کمتری دارد اما در پاییز و زمستان که نزولات جوی بیشتر است و آب به این رشته‌قنوات نفوذ می‌کند، آب‌ها با قدرت شستگی بالا در قنات‌ها جریان پیدا می‌کند و ابعاد حفره را بزرگ‌تر می‌کند.

نقشه دقیقی از قنات‌ها وجود ندارد

به گفته بیت‌اللهی قنات‌های پراکنده در زیر شهر تهران باید تعیین تکلیف شود در غیر این صورت باید منتظر حادثه باشیم.

او توضیح می‌دهد: قسمتی از این قنات‌ها مالک حقیقی دارد، مثل همین قنات زیرمنطقه‌ای که از آن صحبت می‌کنیم؛ این قنات دهه‌خیر نام دارد و متعلق به روستای دهه‌خیر در پنج‌کیلومتری جنوب تهران است. درست است که این قنات مالک سندی دارد اما بالای ۹۰ درصد قنات‌هایی که مالک خصوصی دارند مالکیتشان فقط در سند است و در واقعیت رها شده‌اند. ما پیشنهاد دادیم چون فضای سبز شهرداری از آب این قنوات استفاده می‌کند، مسئولیت حفظ و نگهداری‌شان از نظر رسمی و حقوقی به شهرداری‌ها محول شود. این امکان از طریق آگهی رسمی در روزنامه وجود دارد و حالا تبدیل به یک ضرورت در تهران شده است. آن‌طور که او می‌گوید حتی نقشه دقیقی از قنات‌ها هم وجود ندارد و اولین کاری که باید صورت بگیرد دست‌کم تهیه یک نقشه دقیق از قنات‌هاست؛ چون همین حالا رشته‌قنات دهه‌خیر که موضوع صحبت ماست اصلا در نقشه قنوات شهر تهران نیامده است!

به فرونشست بودجه‌ای ندادند

در ادامه این عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی اشاره می‌کند که کلیه اقدامات مورد نیاز برای حل خطر فرونشست در این مناطق و مناطق مشابه نیاز به تخصیص اعتبار دارد؛ درحالی که از سال ۹۸ تاکنون بودجه‌ای برای فرونشست در نظر گرفته نشده است.

او می‌گوید: کارها هزینه‌دار است و باید از سمت نهادی اعتبار داده شود تا اندازه‌گیری‌ها و آزمایش‌ها آغاز شود. مرکز تحقیقات راه و شهرسازی طبق قانون مدیریت بحران موظف است ارزیابی انجام دهد اما باید اعتباری هم تخصیص داده می‌شد که نشده است. بااین‌حال امیدواریم حتی اگر به صورت ردیف قانونی هم برای این دست مسائل بودجه تخصیص پیدا نمی‌کند، برای این مسئله به صورت ضروری و خاص تمهیداتی انجام و اعتباری داده شود تا تحقیقات و اقدامات اجرائی آغاز شود. طبق اظهارات بیت‌اللهی، وزارت کشور، ستاد بحران و شهرداری منطقه لازم است هماهنگی و اقدام کنند وگرنه عملیات اجرائی برای پیشگیری از حادثه در این نقطه چندان زمان‌بر نیست و به راحتی می‌شود ظرف یک ماه اقدامات اجرائی را انجام داد.

بازتاب

سازمان برنامه و بودجه به یادداشت «شرق» پاسخ داد

اصلاح ساختار اقتصاد متناسب با شرایط تحریم

سازمان برنامه و بودجه کشور در پاسخ به یادداشت «شرق» با عنوان «تبیین الزامات اثربخشی برنامه حذف ارز ترجیحی» چاپ ۲۸ خرداد ۱۴۰۱ توضیحاتی را برای «شرق» ارسال کرده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

با عنایت به مفاد جزء ۱ بند ص تبصره ۱ قانون بودجه سال ۱۴۰۱، طرح «مردمی‌سازی و توزیع عادلانه یارانه‌ها» با رویکرد تغییر نرخ ارز واردات کالاهای اساسی مشمول از ترجیحی به نیمایی و پرداخت یارانه‌های مربوط به‌صورت مستقیم به مصرف‌کنندگان نهایی در چارچوب جامعه هدف تعیین‌شده (۴۰۰ هزار تومان سه دهک اول و ۳۰۰ هزار تومان ۶ دهک بعدی)، اجرا گردید. بر این اساس ضمن حذف رانت‌ها و کاهش تخلفات موجود در چرخه تأمین و توزیع کالاهای اساسی، امکان بازتوزیع عادلانه منابع حاصله به جامعه هدف و جبران افزایش هزینه‌های مصرف‌کنندگان ناشی از تغییر نرخ ارز کالاهای مصرفی نهایی فراهم گردیده است. لازم به ذکر است مطرح‌نمودن تأمین بخشی از کسری بودجه دولت از محل مابه‌التفاوت نرخ ارز صحیح نبوده و در حال حاضر یارانه جبرانی به مصرف‌کنندگان فراتر از ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه سال جاری و محاسبات مربوط به میزان افزایش هزینه‌های خانوار ناشی از افزایش قیمت‌های کالاهای مشمول پرداخت می‌شود. درخصوص الزامات اثربخشی سیاست حذف ارز ترجیحی نیز موارد زیر قابل ذکر است:

- اصلاح قیمت‌ها: با وجود اینکه رویکرد کاهش و محدودیت مداخله دولت در زمینه قیمت‌گذاری و تنظیم بازار کالاها مورد تأکید قوانین و اسناد فرادستی (ماده ۲۱ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت۲) می‌باشد، بااین‌حال به دلیل حساسیت‌های موجود در زمینه تعادل و ثبات در بازار به‌ویژه در شرایط ناشی از تحریم‌های اقتصادی، مداخلات دولت در برخی موارد (به‌ویژه کالاهای اساسی) در مهروموم‌های اخیر به ناگزیر تشدید شده است. با اجرای طرح مردمی‌شدن و توزیع عادلانه یارانه‌ها میزان مداخله دولت تا حد قابل ملاحظه‌ای می‌تواند کاهش یابد و صرفا با اصلاح سیاست‌ها، موجبات تقویت حضور بخش خصوصی در تأمین پایدار کالا فراهم گردد.

- یارانه هدفمند و کمک‌های نقدی به اقشار آسیب‌پذیر: بازتوزیع عادلانه یارانه به جامعه هدف از اهداف اصلی اجرای طرح بوده که با تعیین جامعه هدف مورد نظر و در قالب یارانه نقدی با اولویت دهک‌های پایین پرداخت می‌گردد. ضمن اینکه در صورت فراهم‌شدن شرایط و زیرساخت‌های مورد نیاز، اعتبارات مزبور در قالب کالابرگ الکترونیکی به‌صورت هدفمند برای خرید کالاهای مشمول اختصاص خواهد یافت.

- تسهیلات هدفمند به بنگاه‌های اقتصادی: تأمین تسهیلات سرمایه در گردش برای تقویت نقدینگی و توان مالی واحدهای تولیدی و واردکنندگان یکی از الزامات اجرای طرح مردمی‌سازی و توزیع عادلانه یارانه‌ها بوده و طی تصویب‌نامه شماره ۳۳۸۴۵/ت۵۹۸۹۰هـ مورخ ۱۴۰۱/۳/۳ هیئت محترم وزیران مقرر گردید تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی دام و طیور کشور از طریق پرداخت مبلغ ۲۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات با نرخ ترجیحی ۱۰ درصد توسط بانک‌های عامل معرفی‌شده توسط بانک مرکزی و تضمین مابه‌التفاوت سود تسهیلات مذکور توسط سازمان برنامه‌وبودجه کشور صورت پذیرد.

فرضیه این نوشتار بر این نکته استوار است که اثربخشی اصلاح قیمت مبنی بر حذف ارز ترجیحی ۴هزارو ۲۰۰ تومانی تنها در صورت پیوند آن با سایر اجزای اصلاح ساختار اقتصادی معنی‌دار می‌شود و در غیر این صورت دارای هزینه‌زایی فراوان برای اقتصاد ملی خواهد بود. به عبارتی نگرانی ایشان در این نوشتار این بوده که شاید دولت سیزدهم نسبت به تعدیل قیمت ارز در قالب «یک برنامه استراتژیک اصلاحات ساختاری» اقدام نکرده و صرفا جهت تأمین بخشی از کسری بودجه دولت به این سیاست دست زده است.

در پاسخ لازم است اشاره نماییم که اتفاقا دولت از ابتدا به دنبال اصلاحات ساختار اقتصادی «در شرایط تحریم» بوده است. مراد از اصلاح ساختار اقتصادی، گذار از اقتصاد دولتی و درون‌گرا که در آن قیمت‌ها به‌صورت دستوری تعیین می‌شود به اقتصاد برخوردار از سازوکار بازار، کاهش هزینه‌های دولت، عدم تصدی‌گری دولت و همچنین نقش‌آفرینی بخش خصوصی است.

همچنان که استحضار دارند هر چهار رکن اساسی اصلاح ساختار اقتصادی ازجمله خروج دولت از قیمت‌گذاری‌های دستوری (آزادسازی قیمت‌ها)، کنترل تورم، یارانه‌های هدفمند و تسهیلات هدفمند مدنظر دولت بوده و با جدیت در حال پیگیری آنها است. برای مثال دولت در راستای دور از قیمت‌گذاری دولتی، از بازار ارز شروع کرده است. بر اساس اختیارات ویژه‌ای که شورای عالی هماهنگی اقتصادی با حضور سران سه قوه در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۴۰۱ به بانک مرکزی داده است، این بانک برنامه‌های ویژه‌ای را برای جلوگیری از تلاطم شوک‌گونه ارز که معمولا از ناحیه ۵ درصد کف بازار به اقتصاد وارد می‌شود، آغاز کرده است. بانک مرکزی با برنامه‌هایی خاص که از ۲۲ خردادماه در صرافی‌ها آغاز شده است در نظر دارد با وجود تحریم‌های شدید، محدودیت‌های خریدوفروش و قیمت ارز تا جایی که ممکن است به حداقل برسد و یک بازار ارز مطلوب با شرکت خود متقاضیان و عرضه‌کنندگان و به‌صورت پایدار ایجاد نماید و از زمانی که این برنامه‌ها آغاز شده است، روندهای شوک‌گونه در بازار مشاهده نشده است.

دولت در راستای کنترل تورم اصلاحاتی را شروع کرده است. برای مثال استقراض از بانک مرکزی را به‌تدریج کاهش داده و حتی خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی را منفی کرده و در ادامه سیاست این است که تمامی عوامل مؤثر بر پایه پولی و تورم را تحت کنترل بگیرد. هدفمندسازی یارانه‌ها نیز مدنظر دولت است که نمونه بارز آن حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی و تخصیص یارانه مستقیم آن به مردم می‌باشد و سعی دارد طی برنامه توسعه هفتم در فرایند زمان آن را بهبود ببخشد.

اقتصاد ایران به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی در سطح اقتصاد کلان با اتکا بر نفت با تعیین قیمت دستوری نرخ ارز و همچنین نرخ سود بانکی برای ارائه تسهیلات ارزان‌قیمت و در سطح اقتصاد خرد با قیمت‌های پایین حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی مصرفی دچار یک بیماری حاد هلندی شده است. در برهه‌هایی از زمان که بحث اصلاح ساختارها مطرح شده با استناد به عبارت «شرایط حساس کنونی»، از اصلاحات علمی در اقتصاد به‌ویژه در موضوع بغرنج «قیمت‌گذاری دستوری» عقب‌نشینی کرده و در نتیجه تداوم رفتارهای ناصحیح، اقتصاد کشور به‌تدریج از تعادل در بازارهای مختلف فاصله گرفته و ثبات متغیرهای کلان دچار اختلال مزمن گردیده است. لذا دولت امروز، ارثیه‌ای از ساختارهای بلندمدت ناسازگار با شرایط واقعی اقتصاد را حمل می‌کند و برای اصلاح تک‌تک آن ساختارها لازم است شعارها، تعارف‌ها و مصلحت‌اندیشی‌هایی که صرفا مشکلات را به آینده موکول می‌کند، برای همیشه کنار گذاشته شده و تنها «ضوابط اصولی علم اقتصاد» را حاکم نماید. لذا دولت در نظر دارد با کمک‌گرفتن از همه قوای نظام در برنامه هفتم توسعه با تمرکز بر تمامی مؤلفه‌های اساسی اصلاح ساختار اقتصادی و با کمک‌گرفتن از صاحب‌نظران بستر لازم برای اصلاحات ساختاری اقتصاد را هموار نماید.